

## انقلاب خاموش در اقتصاد برق

بورس انرژی جایگزین قیمت گذاری دستوری می‌شود

امین زمانی\*

آیین‌نامه اجرایی جدید برنامه هفتم توسعه، نوبدبخش پایان ناترازی‌ها، شفافیت قیمت‌ها و خروج تدریجی دولت از انحصار بازار برق کشور است. در روزهای پایانی اردیبهشت‌ماه و درست در مقطعی که سرخط اصلی رسانه‌ها تحت‌الشعاع اخبار پربهاوهی جنگ و مذاکره قرار داشت، تصویب یک قانون کلیدی در سکوت خبری به حاشیه رفت. قانونی که شاید در نگاه‌اول تیتربخشنای برای صفحات نخست روزنامه‌ها نبود، اما کارشناسان معتقدند می‌تواند نوبدبخش دگرگونی‌های بنیادین در نظام اقتصاد برق ایران باشد و به عنوان یک جراحی عمیق، قفل توسعه صنعت نیروگاهی کشور را باز کند.

■ **تکلیف برنامه هفتم توسعه چیست؟**

ریشه این تحول ساختاری به کجا برمی‌گردد؟ در تاریخ ۲۲ اردیبهشت‌ماه، آیین‌نامه اجرایی بند «ب» ماده ۴۳ برنامه هفتم توسعه رسماً ابلاغ شد. برای درک دقیق‌تر هدف‌گذاری این آیین‌نامه، بازخوانی متن قانون ضرورت دارد. بر اساس بند «ب» ماده ۴۳، قانون‌گذار مقرر کرده است: «وزارت نیرو مکلف است با بهبود محیط کسبوکار صنعت برق و افزایش رقابت‌پذیری در این صنعت و افزایش سهم معاملات برق در بازار (بورس) انرژی به گونه‌ای عمل کند که با عرضه برق تولیدی نیروگاه‌های کشور تا پایان سال دوم برنامه، سهم معاملات مذکور را به حداقل ۳۰ و در انتهای برنامه به حداقل ۶۰ درصد از کل معاملات برساند».

نکته قابل‌تأمل اینجاست که آیین‌نامه اجرایی این قانون استراتژیک که در ابتدا مقرر شده بود ظرف مدت سه‌ماه تدوین و تصویب شود، با تأخیری نزدیک به دو سال سرانجام روی میز تصمیم‌گیران قرار گرفت و به دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط ابلاغ شد.

■ **معماری نوین بازار با توزیع عادلانه بار تأمین انرژی**

روح حاکم بر این آیین‌نامه، هدایت معاملات برق به سوی یک سازوکار کامل بازار محور با شیئی ملایم است؛ سازوکاری که بستر اصلی آن بورس انرژی است. این تغییر پارادایم، علاوه بر ایجاد محرک‌های اقتصادی در بخش تولید برای بهینه‌سازی مصرف، به شفافیت حداکثری قیمت‌ها و یویایی سرمایه‌گذاری در صنایع نیروگاهی منجر خواهد شد. مهم‌ترین محورهای تحول آفرین این آیین‌نامه عبارتند از:

■ **گسترش چتر بورس انرژی بر سر مصرف‌کنندگان بزرگ:** در ضوابط پیشین، تنها مشترکانی که دیمانده (میزان مصرف) آنها فراتر از یک مگاوات بود، الزام داشتند انرژی خود را خارج از بازار رسمی انرژی بخرند، اما با ابلاغ آیین‌نامه جدید، از اواخر تیر سال جاری، تمامی مشترکان دارای قدرت قراردادی ۱۵۰ کیلووات و بیشتر، مکلف خواهند بود برق مصرفی خود را مستقیماً از بورس انرژی یا شرکت‌های خرده‌فروش تأمین کنند. همچنین مقرر شده است در اقل یک‌سهم، این الزام برای مشترکان با قدرت قراردادی حداقل ۳۰ کیلووات نیز عملیاتی شود. مشترکان بالای یک مگاوات همچنان موظفند برق خود را از طریق بازار مشتقه بورس خریداری کنند. بااین سیاست، علاوه بر صنایع بزرگ، مشترکان عمده تجاری، کشاورزی و عمومی نیز وارد میدان شده و فشار تانقدرت برق توزیع می‌شود. با تکلیک تابلوی معاملاتی غول‌های صنعتی (بالای یک مگاوات) از سایرین، صنایع خرید برق خود را با نرخ‌های عادلانه‌تر و رقابتی‌تر خریداری کرده که این امر بهره‌وری و حاشیه سود آنها را ارتقا می‌بخشد.



■ **شفافیت مالی با تفکیک حساب هزینه‌ها:** از این پس در قبوض صادره، سرفصل‌هایی نظیر هزینه خرید برق از شرکت‌های توزیع با برق منطقه‌ای، حق ترانزیت، میزان اختلاف تعرفه تکلیفی با بهای واقعی و حجم بارانه پنهان به‌صورت مجزا درج خواهد شد. این شفاف‌سازی باعث می‌شود درآمدهای بخش انتقال و توزیع دقیقاً در همان حوزه‌ها هزینه‌شود و پروژه‌های زیربنایی توانیر که پیش‌تر به تعویق می‌افتادند، در مسیر اجرا قرار گیرند.

■ **تعمیر مدل درآمدی توانیر با الزام خرید گواهی ظرفیت:** تغییر متقاضیان جدید با قدرت قراردادی یک مگاوات بیشتر ملزم به خرید «گواهی ظرفیت» از بورس شده‌اند. برای متقاضیان زیر یک مگاوات نیز شش شرکت‌های توزیع به نیابت از آنها این گواهی را تهیه کرده و هزینه را دریافت می‌کنند. مشترکان دارای گواهی ظرفیت، بلا از برنامه‌های مدیریت بار (خاموشی با معاف خواهند بود و انرژی آنها از تابلوی اول تأمین می‌گردد. از منظر اقتصاد کلان، این بند نشانگر شیفت مدل اقتصادی توانیر از «فروش برق» به «فروش حق اشتراک شبکه» است. معافیت این دسته از قطعی برق، در بلندمدت اهرم قطعی‌های دستوری دولت را ناکارآمد کرده و توانیر را ناگزیر به سرمایه‌گذاری برای رفع ناترازی‌ها می‌کند.

■ **تأمین برق مصرف مازاد بر الگواز بازار آزاد:** تأمین برق مصرفی مازاد بر الگوی استاندارد باید از مسیر تابلو برق آزاد، تابلوی سبز، بازار گواهی صرفه‌جویی یا نیروگاه‌های تجدیدپذیر صورت‌گیرد که این امر کاهش جدی مصارف بی‌رویه را در پی خواهد داشت.

■ **آیا موج جدید گرانی در راه است؟**

در روزهای نخست پس از ابلاغیه، نگرانی‌هایی پیرامون تحمیل هزینه‌های سنگین بر مشترکان شکل گرفت. با این حال، واکاوی دقیق‌تر نشان می‌دهد که این قانون مستقیماً بخش غیرخانگی و بنگاه‌های مولد بالای ۳۰ کیلووات را هدف قرار داده است. ثانیاً، داده‌های کارشناسی اثبات می‌کند که سهم هزینه‌های انرژی از کل هزینه‌های تولید در بخش صنعت ناچیز است و واقعی‌سازی این نرخ، تکانه مخربی بر حاشیه سود صنایع وارد نخواهد کرد.

انتظار می‌رود با اجرای دقیق این قانون و ورود پرقدرت خریداران به بورس انرژی، پالس مثبتی برای اُشتی بخش خصوصی با سرمایه‌گذاری در صنایع نیروگاهی صادر شود. با ارتقای بهره‌وری و تزریق منابع مالی، می‌توان به حل بحران مزمن ناترازی انرژی در کشور امیدوار بود، موضوعی که پیگیری اجرای صحیح آن اکنون بر عهده رسانه‌ها و متخصصان حوزه انرژی است.

■ **کارشناس حوزه انرژی**

اگر اقتصاد بسا رکود، افت تقاضا، اختلال در زنجیره تأمین و تعدیل نیروی انسانی مواجه باشد، ادامه همان الگویی مالیاتی دوران پیش از بحران می‌تواند اثرات انقباضی مضاعف ایجاد کند. نکته کلیدی این است که آیا سیاست‌ها و عملکرد مالیاتی در کشور با واقعیت‌های یک اقتصاد درگیر جنگ و رکود هم‌راستا شده است؟ جواب این سؤال در شرایط فعلی منفی است، چراکه رویکرد مالیاتی تا کنون آنچنان آرایش جنگی نداشته و شاید بر همین اساس است که سازمان امور مالیاتی را به این نتیجه رسانده است که تعویق اقساط مالیاتی راهکار کافی برای حمایت از تولید در شرایط فعلی نیست و ضروری است تا بازنگری کلی در تحقق درآمدهای مالیاتی در بودجه ۱۴۰۵ صورت بگیرد. ■ ■ ■

در چند سال اخیر، مالیات سهم عمده را در تأمین منابع عمومی دولت و مخارج جاری دولت به عهده گرفته است، به طوری که بالای ۷۰ درصد از مخارج جاری و نیمی از منابع عمومی بودجه دولت از طریق مالیات تأمین می‌شود. در بودجه ۱۴۰۵ نیز و در شرایطی که پیش از جنگ تحمیلی رژیم امریکایی صهیونیستی علیه کشورمان تدوین شد، سهم درآمدهای مالیاتی در بوجه رشد داشت و رقم درآمدهای مالیاتی ۲هزار و ۹۰۰ همت تعیین شد؛ با این حال با توجه به شرایط کنونی، بازنگری در این رقم ضروری است. تا کنون عمده تمرکز دولت در شرایط جنگی بر تقصیط یا تعویق مالیات‌ها بوده است، اما حالا زرمه‌هایی از احتمال اصلاح اهداف درآمدهای مالیاتی در بودجه اسمال شنیده می‌شود.

■ **درخواست بازنگری برای اصلاح درآمدهای مالیاتی در بودجه**

محمدهادی سبحانیا، معاون وزیر امور اقتصادی و دارایی، با اشاره به تغییر شرایط اقتصادی کشور و آسیب‌دیدگی برخی صنایع در پی جنگ اخیر، خواستار بازنگری در هدف‌گذاری درآمدهای مالیاتی بودجه ۱۴۰۵ شد و اعلام کرد: رقم درآمدهای مالیاتی باید متناسب با واقعیت‌های جدید اقتصاد اصلاح شود.

او با بیان اینکه در حال حاضر کشور در شرایط خاصی به سر می‌برد، گفت: در سال گذشته فعالیت‌های اقتصادی با چالش‌هایی مواجه شدند، جنگ ۱۲ روزه در خردادماه و جنگ رمضان در پایان سال رخ داد. اتفاق هم که در دی‌ماه افتاد، کسبوکارها را با چالش مواجه کرد. در این شرایط، فعالیت‌های اقتصادی در این کشور، با چالش‌های فراوانی روبرو شده است. اتفاقی هم که در دی‌ماه افتاد، کسبوکارها را با چالش مواجه کرد. در این شرایط، فعالیت‌های اقتصادی در این کشور، با چالش‌های فراوانی روبرو شده است. اتفاقی هم که در دی‌ماه افتاد، کسبوکارها را با چالش مواجه کرد. در این شرایط، فعالیت‌های اقتصادی در این کشور، با چالش‌های فراوانی روبرو شده است. اتفاقی هم که در دی‌ماه افتاد، کسبوکارها را با چالش مواجه کرد.

سازمان امور مالیاتی از احتمال بازنگری در اهداف درآمدهای مالیاتی در بودجه ۱۴۰۵ خبر داد

# چرخش عقر به مالیات به سمت بهبود فضای کسبوکار؟

صادق بشیری، کارشناس اقتصادی در گفت‌وگو با «جوان»: مالیات نباید منجر به فشار به تولید و مردم شود؛ با توجه به شرایط تور می، متأسفانه نگاه دولت‌ها در اخذ مالیات، نگاه واقع‌بینانه‌ای نیست



خواهد بود.

او با تأکید بر ضرورت دریافت مالیات تنظیمی از سودآوری در اقتصاد گفت: برای اخذ مالیات از فعالیت‌های سوداگرانه باید زیرساخت‌های لازم فراهم شود و چون در این زمینه خلأ وجود دارد، سیاست‌گذاران اغلب به دنبال تحقق درآمدهای مالیاتی از مسیر کم‌درسر و در دسترس تر هستند و در نهایت به جای اخذ مالیات از سوداگران، طبقه شفاف و تولیدکنندگان واقعی تحت فشار مالیاتی قرار می‌گیرند.

اخذ مالیات از کالاهای لوکس، سوده‌های نامشروع و از کالاهایی که برای سلامتی مضر است، نسخه این کارشناس اقتصادی برای کاهش فشارهای مالیاتی به تولیدکننده و کسبوکارهای شفاف در شرایط فعلی است. ■ **مالیات تنظیمی از سودآوری جایگزین فشار مالیاتی بر تولید** پایان جنگ اگر چه به معنای توقف درگیری‌های نظامی است، اما برای اقتصاد آغاز یک دوره سخت به شمار می‌آید که بنگاه‌ها به طور معمول با افت تقاضا، کمبود نقدینگی، اختلال زنجیره تأمین به ویژه در بخش مواد اولیه، فرسودگی یا تخریب تجهیزات و ناطلمنایی نسبت به آینده مواجه هستند. این وضعیت اگر درست مدیریت نشود، ثبات تولید به یک دغدغه ملی تبدیل می‌شود. در چنین شرایطی، تغییر نقشه راه توسعه برای دولت و مجلس برای رونق تولید با حفظ اشتغال به خصوص از طریق کاهش فشار بر تولید یا بازنگری در مالیات‌ها ضروری است. تجربه بسیاری از کشورهای نشان می‌دهد که نظام مالیاتی صرفاً وسیله تأمین درآمدهای عمومی نیست، بلکه یکی از کارآمدترین ابزارهای سیاست‌گذاری اقتصادی برای تحریک تولید، هدایت سرمایه‌ها و ارتقای بهره‌وری محسوب می‌شود. کارشناسان تأکید دارند درافت مالیات تنظیمی از سودآوری در اقتصاد، جایگزین مناسب برای کاهش فشار بر تولید و تحقق درآمدهای مالیاتی در شرایط پساچنگ است.

بهرت است دولت برای اصلاح بودجه به مجلس لایحه بیاورد.

او با اشاره به ضرورت اصلاح برخی قوانین متناسب با شرایط جنگی تصریح کرد: از جمله مهم‌ترین آنها، قانون بودجه است. بودجه باید اصلاح شود تا ضمن حمایت از تولید، منابع کشور به سمت اولویت‌های اصلی و ضروری هدایت شود.

■ **مردم باید اثربخشی درآمدهای مالیاتی را حسن کنند**

صادق بشیری، کارشناس اقتصادی، درباره آرایش مالیاتی دولت در شرایط کنونی به «جوان» می‌گوید: سیاست‌های اقتصادی و مالیاتی دولت‌ها در کشورمان نسبت به مسائل مختلف از جمله تحریم، جنگ و مسایر بحران‌های این چنینی اغلب دیر هنگام بوده و دولت چهاردهم نیز از این موضوع استثنا نبوده است. دولت به دنبال کسب درآمدهای مالیاتی است و در این زمینه موفق بوده، اما این مهم است که درآمدها در نهایت به نفع تولید هزینه‌شود. اگر درآمدها در جای درست هزینه‌شود، خروجی آن تثبیت قیمت‌ها و تحقق عدالت اقتصادی خواهد بود. او با بیان اینکه مالیات نباید منجر به فشار به تولید و مردم شود، افزود: با توجه به شرایط تورمی،

## ۳ ابتکار رهبر شهید در طراحی مسیر ایران اقتصادی قوی



صادق‌کنندگان دارای پروانه صادراتی از سال ۱۴۰۱ با بعد می‌توانند از حاصل از صادرات خود را تا ۳۲درآمدها ۱۴۰۵ بسرائ و واردات کالاهای واسطه‌ای، مواد اولیه و اقلام مورد نیاز واحدهای تولیدی مصرف کنند

مردم و بخش خصوصی باید در سرمایه‌گذاری، تولید و صادرات نقش جدی‌تری پیدا کنند.

اهمیت اقتصاد مقاومتی در این بود که پاسخ به تحریم را در گرو مذاکره صرف نمی‌دید. تحریم وقتی اثرگذار می‌شود که اقتصاد داخل شکننده باشد، یعنی بودجه به نفت وابسته باشد، تولید به واردات گره خورده باشد، تجارت خارجی محدود باشد، نظام بانکی ناکارآمد باشد و مردم در اقتصاد نقش فعال نداشته باشند. سیاست‌های اقتصاد مقاومتی می‌خواست این نقاط آسیب را به دستور کار دائمی دولت‌ها تبدیل کند.

■ **ابتکار سوم: صیانت از مسیر**

یکی از مشکلات سیاست‌گذاری در ایران، فاصله میان ابلاغ و اجراست. اسناد بالادستی زیادند، اما بسیاری از آنها در مرحله اجرا ضعیف می‌شوند. اینجاست که نقش تذکره‌های مستمر رهبری اهمیت پیدا می‌کند. تأکیدهای سالانه بر تولید، مهار تورم، رشد تولید، دانش‌بنیان‌ها، سرمایه‌گذاری برای تولید، اصلاح ساختار بودجه، مبارزه با فساد و حمایت از کارآفرینان، در همین چارچوب قابل فهم است.

این تذکره‌ها جایگزین نمی‌نیستند، اما هزینه‌های سیاسی بی‌عملی را بالای می‌برند. وقتی یک دولت مانند تولید با سرمایه‌گذاری بارها در سطح رهبری تکرار می‌شود، دیگر دولت، مجلس، بانک مرکزی، نظام بانکی و دستگاه‌های اجرایی نمی‌توانند آن را یک موضوع حاشیه‌ای تلقی کنند. این تکرار، نوعی صیانت از مسیر است، یعنی جلوگیری از اینکه اقتصاد درگیر روزمرگی، تصمیم‌های کوتاهمدت و تغییرات سلیقه‌ای شود.

صورت‌بندی این موضوع واجب و ضروری است که رهبری در اقتصاد ایران، نقش مدیر اجرایی روزمره را ندارد؛ نقش او معماری مسیر است. اقتصاد برای پیشرفت، به ثبات جهت، استمرار تصمیم اعتماد عمومی و نقشه بلندمدت نیاز دارد. اگرچه باید در مرقومه‌های دیگری به ارزش‌هایی تکنیکی هر حوزه پرداخت که تا چه حد ذیل اندیشه و منظومه فکری و عملی رهبری مباحث دنبال شد.

■ **پژوهشگر اقتصادی**



انحراف و کندی روبه‌رو شد، اما اصل جهت‌گیری کاملاً روشن بود. رشد اقتصادی بدون میدان دادن به مردم و سرمایه داخلی پایدار نمی‌شود.

■ **ابتکار دوم: تبدیل شعار اقتصادی به دستور کار اجرایی**

دهه ۱۳۹۰ با یک چالش ویژه شروع شد. اقتصاد ایران از یک سسو با تخصیص ناهمبینه روبه‌رهو بود، از نسوی دیگر تجارات و تسسویه ارزی در گلوگاه تحریم قفل شده بود و تولید نیز در لایه‌های اجرایی و راهبردی دچار انواعی از موانع شده بود. ابلاغ سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف در سال ۱۳۸۹، پاسخ به بخش اول مسئله بود. ششواهد و برخی‌ها گویای آن بودند که مقوله هدررفت مصرف در سطوح مختلف نظیر مصرف خانوارها، مصرف انرژی، آب، بودجه عمومی و منابع بانکی کاملاً واضح و روشن است. در اقتصادی که بخش بزرگی از منابع آن در بارانه‌های پنهان، مصرف غیربهینه انرژی و ریخت‌وپاش اداری هدر می‌رود، اصلاح الگوی مصرف و بهینه‌سازی تخصیص امری واجب و ضروری است. به همین خاطر، معظمله در این زمینه به نحو مشخص، سیاست کلان اعلامی خود را در یک نقشه‌هندسی بیان، دنبال و پیگیری کردند.

در سال ۱۳۹۱، سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی ابلاغ شد. این سیاست‌ها اقتصاد را به چند محور عملیاتی تقسیم‌بندی زنجیره تولید از ماده خام تا محصول نهایی،